

دام‌ها و دانه‌ها

دشمن‌شناسی و دشمن‌ستیزی

از دیدگاه اسلام

شهر بانوشکیبافر

دبیر دبیرستان باقرالعلوم اسلامشهر



اشاره

مقاله حاضر برای تدریس درس سوم (سرمایه‌های رشد) و درس یازدهم (دوستی با حق) کتاب دین و زندگی سال دوم متوسطه کاربرد دارد. در این مقاله ابتدا ضرورت شناخت دشمن و سپس عوامل نفوذی، دام‌ها و دانه‌ها و مصداق‌های عینی آن در جامعه و سپس راه‌کارهایی برای مقابله با آن‌ها ارائه شده است. امید است معلمان عزیز در تدریس دروس مذکور از این مقاله بهره‌مند شوند.

چکیده

اولین دشمن آشکار انسان تصمیم‌گرفت و قسم یاد کرد که تمام انسان‌ها را از چپ و راست و پشت‌سر و جلو و سوسه کند و از یاد خدا غافل سازد. این دشمن، تنها دشمن انسان نیست بلکه انسان تنها موجودی است که دشمنان زیادی از جنس خودش دارد؛ انسان‌هایی که به واسطه کینه، نفاق، غرور، تکبر، روحیه قدرت‌طلبی و انحصارطلبی و عناد با دین مبین اسلام، رهرو راه شیطان‌اند و تصمیم دارند به هر قیمتی که شده و از هر راه و شبکه‌ای، دام‌ها و دانه‌های خود را در بین افراد، جوامع و ملل مختلف فرهنگ و دین بگسترانند و از بروز و تجلی کمالات انسانی و وصول به حیات طیبه و کلمة‌العلیا جلوگیری کنند. اینان با ممزوج کردن حق و باطل، مؤمنان را به انحراف می‌کشانند و به اهداف شوم خود جامعه عمل می‌پوشانند.

بنابراین بر ماست که دشمن را بشناسیم، وجودش را باور کنیم و با بصیرت، معرفت و نهادینه‌کردن ولایت الهی در درونمان، بهترین‌ها را انتخاب کنیم و ابتدا در جهاد اکبر با تربیت نفس خویش و مبارزه با جنود شیطانی و جهلانی پیروز شویم و تمام قوای درونی‌مان را تعدیل کنیم تا بتوانیم در مرحله بعد در جهاد اصغر پیروز و سربلند گردیم. چه بسیارند افراد و حکومت‌هایی که در جهاد اصغر پیروز، اما از جهاد اکبر غافل‌اند. دشمن با شگردها، تاکتیک‌ها و تکنیک‌های خاص شیطنت‌آمیز خود از طریق رسانه، سایت، فیلم‌های سینمایی، ادبیات مکتوب، ترویج مدگرایی در آرایش‌های ظاهری و در پوشاک و زبورآلات به مبارزه با زیبایی‌های درون و گرایش‌های الهی و فطری انسان می‌پردازد و زشتی‌های خود را در قالبی زیبا و خیرخواهانه (!) به انسان‌ها خصوصاً مؤمنان عرضه می‌کند. بر هر مؤمنی واجب است که در این مسیر پرخطر در سایه‌سار قرآن و انوار طیبه ائمه معصومین (ع) به استکبارستیزی درون و بیرون بپردازد؛ در این صورت «رسد آدمی به جایی که به‌جز خدا نبیند».

▲ **کلیدواژه‌ها:** دشمن، دام‌ها، جنگ نرم، بصیرت، ولایت، استعاده، استکبارستیزی.

ضرورت شناخت دشمن

هر موجود زنده‌ای برای ادامه حیات و تکامل در مسیر فطرت، باید آفات و آسیب‌ها و دشمنان را بشناسد و به تقویت قدرت دفاعی خود بپردازد و در مقام مبارزه با دشمن از خود ابتکار عمل نشان دهد و با تکنیک‌ها و تاکتیک‌های مؤثر و کارآمد برای مبارزه با دشمن آماده باشد. حضرت علی (ع) در نهج‌البلاغه (خ ۱۴۷) می‌فرماید: «هیچ‌گاه حق را نخواهید شناخت جز آن که ترک‌کننده آن را بشناسید. هرگز به پیمان خدا وفادار نخواهید بود مگر آن که پیمان‌شکنان را بشناسید و هرگز به قرآن چنگ نمی‌زنید مگر آن که رهاکننده آن را شناسایی کنید».

مطالعه تاریخ بشر نشان می‌دهد که بسیاری چون باطل را نشناختند در دام باطل افتادند و حق را رها کردند. حضرت علی (ع) در همان خطبه می‌فرماید: «هم باید حق را شناخت و هم باطل را؛ تا باطل را رها کرد و حق را عمل نمود».

وظیفه و تکلیف مؤمن، رعایت حدود الهی و تجاوز نمودن از این مرزها و خطوط قرمز الهی است (طلاق: ۱) و هدایت و حرکت در مسیری که رسولان الهی و ائمه معصومین (ع) برای ما ترسیم نموده‌اند. لازم است بدانیم شیطان در مقابل نیروهای مختلف جامعه راه‌های گوناگونی برای نفوذ دارد که دشمن از آن بهره می‌برد و دام‌های خود را می‌گستراند تا به نتایج پلید خود دست یابد.

انسان‌ها در مقابل عوامل نفوذی شیطان و دشمنان شیطان صفت به چند دسته تقسیم می‌شوند:

۱. **انبیاء و پیامبران:** افرادی که شیطان در آن‌ها راه ندارد، اما در اهداف و آرزوهای آنان مانع تراشی می‌کند. با تأمل در آیات قرآن و قصص انبیا کارشکنی‌های دشمنان را می‌بینیم، از جمله در زمان حضرت سلیمان (ع) شیاطین و اجنه در مردم نفوذ می‌کردند و آن‌ها را به بدی‌ها، قتل، خودکشی و دیگر کشتی فرامی‌خواندند، اما خداوند قدرت مهار کردن آنان را به حضرت سلیمان (ع) عطا فرمود تا فرمانروایی کند (انبیاء: ۸۲).

۲. **مؤمنان:** شیطان با روش‌ها و ابزارهای خاصی با این گروه تماس برقرار می‌کند. غرور، ریا، زینت‌بخشی خطا و گناهان، گرایش به تجملات و... عواملی هستند که پرهیزکاران را به وسوس شیطانی دچار می‌کنند. اما خداوند می‌فرماید: «آن‌ها به یاد خدا و پاداش و کیفر الهی می‌افتند و در پرتو یاد خدا، حق را می‌بینند و ناگهان بینا و بصیر می‌شوند» (اعراف: ۲۰۱).

شیطان به خدا گفت: «اکنون که مرا گمراه ساختی من بر سر راه مستقیم تو، در برابر انسان‌ها کمین می‌کنم، سپس از پیش‌رو، پشت‌سر، و از طرف‌های راست و چپ‌شان به سراغ آنان می‌روم و بیشتر آن‌ها را شکرگزار نخواهی یافت» (اعراف: ۱۶ و ۱۷).

این آیه از قول خود شیطان است و بیان می‌کند چگونه در کمین انسان‌های مؤمن نشسته است. البته روشن است



مطالعه تاریخ بشر نشان می‌دهد که بسیاری چون باطل را نشناختند در دام باطل افتادند و حق را رها کردند. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «هم باید حق را شناخت و هم باطل را؛ تا باطل را رها کرد و حق را عمل نمود»



که این جهات چهارگانه، جهات مادی نیست، چنان‌که صراط مستقیم، راه مادی نیست. از قرآن استفاده می‌شود که منظور از پیش‌رو حوادثی است که در آینده سراغ انسان خواهد آمد، اعم از حوادث لذت‌بخش که آرزوی آمدنش را دارد یا حوادث ناگواری که انسان از آن‌ها می‌ترسد. هر دوی این حوادث می‌تواند کمین‌گاه انسان باشد. چه بسا آرزوهایی که انسان را به گناه کشانید، و چه بسا ترس‌های موهومی که انسان را از خیر و سعادت بازداشته است! برای مثال، ترس از فقر انسان را از انفاق و ترس از سرزنش مردم انسان را از کار خیر و ثواب بازمی‌دارد. منظور از پشت‌سر، فرزندان و نسل آدمی است، زیرا انسان گمان می‌کند که بقای او به بقای آنان وابسته است، از این‌رو حاضر می‌شود برای آنان از حلال و حرام مال بیندوزد و چه بسا برای زندگی دنیایی فرزندان، خود را جهنمی کند. منظور از طرف راست، بعد مثبت آدمی در دین‌داری است. ممکن است شیطان از راه دین وارد شود و مبالغه و افراطی‌گری در برخی از امور دینی را پیش انسان جلوه دهد و او را به انجام کارهایی وادارد که خدا آن‌ها را واجب نکرده است و از این راه انسان را جهنمی کند. مقصود از طرف چپ، بی‌دینی است. شیطان ممکن است از راه غضب و شهوت وارد شود و انسان را به شهوت‌رانی و هوس‌بازی وادارد و از این راه انسان را به جهنم بکشاند (المیزان، ج ۸: ص ۱۲).

مسلم است که خطر بیشتر در کمین **انسان‌های مؤمن** است تا انسان‌های بی‌ایمان، لذا یادمان باشد که فقط به رضای خدا دل بسپاریم و دل را صحن و سرای رضای الهی کنیم و زائر دلی باشیم که جز خدا و رضای او هیچ نخواهد و دل نبندد. حضرت علی (ع) در خطبه ۱۹۲ نهج‌البلاغه شگردهای شیطان را برای غفلت از خدا مطرح می‌نماید و مهم‌ترین ابزار برای شکست شیطان را نماز و به‌ویژه سجده کردن می‌داند؛ همان عملی که خداوند از شیطان خواست و او نافرمانی کرد.

۳. **مردم عادی:** شیطان در روح و جان این افراد فرومی‌رود و مدام آن‌ها را وسوسه می‌کند. در این صورت دشمنان و مستکبران بیشترین نقشه‌های خود را از طریق مردم عادی عملی می‌کنند.

۴. **فاسقان و منافقان:** شیطان در اعماق جان این افراد نفوذ می‌کند و بیرون نمی‌آید. هم‌چنین، بر جوارح و جوانحشان تسلط می‌یابد، دام خود را در این افراد می‌گستراند، در دل‌های آن‌ها تخم می‌گذارد و جوجه‌های خود را در دامشان پرورش می‌دهد.

این منحرفان شیطان را ملاک کار خود قرار می‌دهند (نهج‌البلاغه، خ ۷). به همین جهت نه‌تنها خود گمراه‌اند بلکه شیطان پرورند و نسل‌ها را منحرف می‌سازند.

امام خمینی (ره) در کتاب شرح حدیث جنود و عقل و

جهل (ص ۷) می‌فرماید: آن انسان که در صورت، انسان و از جنود شیطان است و از طرف او مبعوث است و تو را دعوت به شهوت‌رانی می‌کند و می‌گوید زندگانی مادی را باید تأمین کرد و بس؛ قدری در حال او تأمل کن و قدری او را استنطاق کن ببین آیا خودش از وضعیت خود راضی است؟ یا آن که خودش مبتلاست و می‌خواهد بیمار دیگری را مبتلا کند؟

فاسقان و منافقان خود فتنه‌اند و سبب دشمنی و سلب آسایش و آرامش از افراد و جمعیت‌ها هستند. لذا گاهی سعی می‌کنند با القای شبهات و شکوک، از طریق زبان و قلم به گمراهی مردم بپردازند و یا نگذارند مردم حق را بپذیرند. دشمنان با شکنجه، محدودیت و ممنوعیت مانع پذیرش دین اسلام می‌شوند، غافل از این که چنین اقداماتی باعث می‌شود انسان‌ها فوج‌فوج به دین مبین اسلام روی آورند.

حضرت علی(ع) در نهج‌البلاغه (خ ۱۹۲) می‌فرماید: از فرومایگان اطاعت نکنید... آن‌ها که باطلشان را با حق خود مخلوط کرده‌اند، درحالی که آنان ریشه همه فسق‌ها و انحرافات و همراه انواع گناه‌اند. شیطان آنان را برای گمراه کردن مردم، مرکب‌های رام قرار داد و از آنان لشکری برای هجوم به مردم ساخت و برای دزدیدن عقل‌ها، داخل شدن در چشم‌ها و گوش‌های شما، آنان را سخن‌گوی خود برگزید تا شما را هدف تیرهای خویش و پایمال قدم‌های خود و دستاويز و سوسه‌های خود گردانید.

شناخت این افراد و عکس‌العملشان در مقابل شگردهای شیطان برای ما درس عملی بسیار بزرگی است و به ما می‌آموزد که چه کسانی را معیار کار خود قرار دهیم و با چه کسانی مشورت کنیم و حرف چه کسانی را باور داشته باشیم. و بدانیم که نباید به اعمال دشمنان اسلام راضی شد، و گرنه خود نیز جزء آنان محسوب می‌شویم. بسیاری در صحنه کربلا در مقابل امام حسین(ع) نبودند اما چون به عمل منافقان راضی شدند امام(ع) ایشان را لعنت می‌کند و از خدا می‌خواهد که آنان را از رحمت خود دور سازد.

(اللَّهُمَّ الْعِنَ الْعِصَابَةَ الَّتِي جَاهَدَتِ الْحُسَيْنَ وَ شَايَعَتْ وَ بَايَعَتْ وَ تَابَعَتْ عَلَي قَتْلِهِ...)

دام‌ها و دانه‌ها

دام‌های شیطان متأسفانه در بسیاری از جوامع مسلمان گسترانده می‌شود و ما خواسته و ناخواسته اسیر این افکار و اعمال می‌شویم. دام‌ها و دانه‌ها عبارت‌اند از:

● حب دنیا و مادی‌گرایی

دل سپردن انسان به کالاها و امکانات مادی و شیفتگی نسبت به آن‌ها و علاقه‌مندی به صفات دنیایی مثل سوء ظن، ریا، کبر، حب مدح، تفاخر، تکاثر و لهو و لعب و دنیاگرایی، به شکلی که خود و خدای خود را فراموش کند همگی ناشی از

دنیادوستی و مادی‌گرایی است.

● مصرف‌گرایی، اسراف و تبذیر

تبلیغات روزافزون رسانه‌ها و نهادها، که برای تأمین منافع خود و منافع افرادی خاص انجام می‌شود، مصداق کارهای شیطانی است. تبلیغ مواد خوراکی بی‌فایده و حتی مضر، تبلیغ کالاهای تجملاتی و زینت دادن به دکوراسیون منازل و ادارات و واردات کالاهای غیرضروری با فرهنگ‌هایی که مناسبتی با فرهنگ اسلام ندارد همه ناشی از فرهنگ مصرف‌گرایی است تا آن‌جا که انسان فکر می‌کند باید آن‌ها را مصرف کند و دایم به آن‌ها نیاز دارد و هر روز نیازهای جدیدتری نیز به او عرضه می‌شود. البته مسلم است که دست‌های پنهانی در کار است و دشمن از این طریق انسان را آلوده به دنیا می‌کند.

در قرآن پیوسته از وسوسه یا ولایت شیطان بر افراد سخن به‌میان آمده است اما تنها موردی که «اخوان الشیاطین» آمده آیه ۲۶ و ۲۷ سوره اسراء است که اسراف‌کاران همکار شیطان معرفی شده‌اند نه صرفاً تحت تأثیر او؛ یعنی کار از وسوسه شدن گذشته و به مرحله همکاری و معاونت رسیده است:

«... وَ لَا تَبْذُرْ تَبْذِيرًا إِنَّ الْمُبْذِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَ كَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا» هرگز اسراف و تبذیر نکن چرا که تبذیرکنندگان، برادران شیاطین هستند و شیطان در برابر پروردگارش ناسپاس بود.

اسراف به معنای از حد گذراندن در هر کاری است اما تبذیر یعنی حیف و میل کردن و به آن افتخار کردن و آن را ملاک برتری دانستن. تبذیر گرچه بیشتر در مسائل مادی مصداق دارد، ولی در مورد نعمت‌های دیگر نیز صدق می‌کند، مانند هدر دادن عمر و جوانی، به کار گرفتن فکر، چشم، گوش و زبان در راه ناصحیح، سپردن مسئولیت‌ها به افراد ناصالح، پذیرش مسئولیت بدون داشتن لیاقت و بیش از حد توان و ظرفیت، آموزش و آموختن مطالب غیرضروری و غیرمفید (تفسیر نور، ج ۷: ص ۴۶).

تبذیر نشانه کفران و ناسپاسی است نه نشانه سخاوت و بخشندگی، و هرکس تبذیر کند همدست شیطان است. بنابراین تکلیف اخلاقی و شرعی این است که اهل ریخت و پاش کارشان تقبیح شود نه آن که مورد تقدیر و احترام قرار بگیرند و فرهنگ درست مصرف کردن و بیهوده هدر ندادن مال و عمر و نعمت را باید به فرزندان خود آموزش داد.

۳. مدگرایی و تنوع‌طلبی

آفتی که امروزه گریبانگیر اکثر اقشار مردم، به‌ویژه نوجوان و جوان شده مدگرایی است. غرب و غرب‌زده‌ها فرهنگ و افکار خود را که ضد اسلامی است تبلیغ می‌کنند و به کارهای شیطانی دست می‌زنند. آن‌ها برای دین‌ستیزی، کالا، پوشاک، لباس، لوازم منزل و حتی نوشتافزاری تولید می‌کنند که کاملاً

به معلمین عزیز توصیه می‌شود که معرفت حقیقی را به دانش‌آموزان عرضه نمایند تا در جستجو حقیقت و رفع تشنگی به دنبال سراب نروند. در این‌جا مهم‌ترین عامل، خوب فکر کردن و تعقل و تدبیر است که باید آن را به فرزندان و دانش‌آموزان آموزش داد تا در سایه‌سار مکتب توحید، گرایش‌های ظلمانی، نفسانی و کاذب را دنبال نکنند





فرهنگ غرب را اشاعه می‌دهد. عجیب آن است که نوشت‌افزار اکثر دانش‌آموزان با اشکال و با آرم‌هایی تزیین شده که معارض با هنجارها و ارزش‌های دین مبین اسلام و ترویج‌دهنده فرهنگ بی‌بند و باری و لجام گسیختگی جنسی است و موجب شده نوجوان و جوان به آن‌ها گرایش پیدا کند. چنین تولیداتی برای جلب توجه و تحریک نامحرم و دور شدن انسان از مقام الهی اوست و کاری شیطانی است.

در اینجا نیز آگاهی‌بخشی، مقابله و مبارزه از یک سو و نشر فرهنگ و معارف اسلامی در بین خانواده‌ها و دانش‌آموزان از سوی دیگر، می‌تواند چاره‌ساز باشد.

علاوه بر آن، موارد زیر نیز پیشنهاد می‌شود:

- تشویق و ترغیب تولیدکنندگان به تولیدات داخلی متناسب با فرهنگ مذهبی و بهینه‌سازی کیفیت کالاها و تعیین قیمت مناسب؛

- آگاهی دادن به عواقب و پیامد گرایش به مدهای بیگانه، که به دور شدن از فرهنگ غنی اسلام می‌انجامد.

۴. حرص به مال اندوزی بدون اندیشه در عاقبت آن

ارتزاق از راه حرام اما پردرآمد و یک شبه ره صدساله را طی کردن برای رسیدن به دنیا و مظاهر آن از جمله خانه و ماشین و مبلمان و... از کارهای شیطنت‌آمیز دشمن است که قشر جوان ما را به خود مشغول کرده است. مصداق بارز این کارها امثال گلدکوئیست‌ها هستند. عده‌ای پول هنگفت به جیب می‌زنند و عده‌ای در اثر وسوسه‌های دشمن و به امید زود ثروتمند شدن به فلاکت و بدبختی می‌افتند. در این راستا می‌توان به:

- اقتصاد و میانه‌روی در تمام امور؛

- ایجاد سیاست عدالت‌محوری در تمام جامعه تا عده‌ای یک‌شبه میلیاردر نشوند و عده‌ای در فقر دست و پنجه نرم کنند؛
- ایجاد شغل‌های مناسب و خوداکتفا، همراه با تخصص و تعهد و جلوگیری از شغل‌های کاذب و درآمدهای حرام، به‌عنوان راه‌حل‌های مناسب اشاره کرد.

● تکبر و قدرت‌طلبی و اخلاق جاهلی

شیطان اولین موجودی بود که تکبر ورزید و خود را برتر از انسان دانست و به همین دلیل از درگاه حضرت حق رانده شد و جزو مهلت داده‌شدگان قرار گرفت. بنابراین هر کس عمل شیطان را تکرار کند او نیز دشمن خداست و نسبت به خدا ناسپاس است. حضرت علی (ع) در خطبه ۱۹۲ نهج‌البلاغه می‌فرماید: پس، از آن‌چه خداوند نسبت به ابلیس انجام داد عبرت گیرید، زیرا خداوند اعمال فراوان و کوشش‌های مداوم او را به علت تکبر ورزیدن از بین برد. او شش هزار سال عبادت کرد- از سال‌های دنیا یا آخرت- اما با ساعتی تکبر همه را نابود کرد. چگونه ممکن است پس از ابلیس فرد دیگری همان اشتباه

را تکرار کند و سالم بماند؟

چرا ما آمریکا را شیطان بزرگ می‌دانیم؟ چون او هم چون شیطان بر همه جهانیان ادعای برتری می‌کند و می‌خواهد بر تمام جهان و جهانیان سلطه داشته باشد و برای رسیدن به این میل شیطانی خود از هیچ‌گونه قتل و غارت و ایجاد نفاق و کینه و دشمنی در بین مردم فروگذار نمی‌کند. عجب آن‌که برخی از دولت‌های عربی به ظاهر مسلمان، دروازه‌ها را برای ورود کمک‌های مردم به فلسطین، غزه و لبنان می‌بندند و تحت تأثیر وسوسه‌های این شیاطین بزرگ (آمریکا، اسرائیل و انگلیس) قرار می‌گیرند و دشمن هم‌کیش خود می‌شوند.

تاریخ تکرار می‌شود. عمر سعد با وجود آن‌که مسلمان بود (ظاهراً) اما به طمع رسیدن به **ملک ری** حاضر شد به نبرد با امام حسین (ع) برخیزد و او را به شهادت برساند. هم‌اکنون نیز تکبر ورزیدن و تفاخر به تعصبات جاهلی باعث شده است بسیاری از سران کشورها دست در دست شیطان بزرگ، آمریکا، بگذارند و به دشمنی با اسلام و مسلمانان برخیزند.

مستکبرین برای رسیدن به انحصارطلبی‌های خود راحت نمی‌نشینند و به طرق مختلف به اسلام‌ستیزی می‌پردازند. از جمله با تولید رسانه‌ها، سایت‌ها، ادبیات مکتوب، رمان‌ها و فیلم‌ها و کارتون‌های سینمای هالیوود در عمق جامعه و خانواده‌ها نفوذ می‌کنند و عقاید و باورهای شیطانی خود را با تکنیک‌ها و تاکتیک‌های خاص و عام در بین جوامع و ملل انتقال می‌دهند و حتی دست به دین‌سازی می‌زنند^۱

یکی از حربه‌های مستکبرین اختلاف افکندن میان شیعه و سنی است، با این هدف که در جامعه اسلامی نفاق و کینه ایجاد شود و به جان هم بیفتند و آنان با آسودگی خاطر اهداف شوم خود را دنبال کنند.

کسانی که از هر روشی برای رسیدن به قدرت، استفاده می‌کنند، مثلاً پیروز شدن در انتخابات، به قدرت‌طلبی که کاری شیطانی است دچار شده‌اند. آبروریزی، سرکوب، نسبت‌های ناروا، پخش و مونتاژ فیلم به‌منظور خراب کردن طرف مقابل برای رسیدن به مقاصد شوم و دنیاطلبی اقدامات مخربی است که توسط شیطان صفتان صورت می‌گیرد. چنین اقداماتی ریشه در بی‌توجهی و بی‌اعتقادی به قرآن و فرامین الهی دارد.

● شبهه‌پراکنی و ارتکاب شبهات

شبهه‌پراکنی سابقه دیرینه‌ای دارد. تا چند سال قبل شبهات در بین خواص مطرح و پاسخ داده می‌شد اما امروزه مخاطب شبهات تغییر کرده است. برای مثال، ابتدا شبهات در قالب‌های مختلف از طریق رسانه‌ها، کتاب‌ها و سایت‌ها بین عامه مردم پخش و منتشر می‌شود، آن‌گاه صاحب‌نظران و نخبگان حوزه و دانشگاه کم‌وبیش در جریان آن شبهات قرار می‌گیرند. اعمال و گرایش‌های مشکوکی که برخی دانش‌آموزان ما به

آن مبتلا شده‌اند مصداق همان وسوسه‌های شیطانی‌ای است که توجیه و تأویل می‌شوند.

برای مقابله با این شبهات می‌توان از طریق راه‌اندازی شبکه‌های مجازی و تلفنی برای پاسخ‌گویی استفاده نمود. در حال حاضر تلفن ۰۹۶۴۰ و پیامک ۳۰۰۰۷۴۶۱ پاسخ‌گویی چنین سؤالاتی است. و نیز:

- مطالعه و غنی کردن اطلاعات فرهنگیان و معلمان برای پاسخ‌گویی به سؤالات دانش‌آموزان؛

- برگزاری میزگردها و مباحثه دانش‌آموزی برای حل مشکلات و شبهات.

● ظاهر سازی

شیطان ظاهرش خوب اما باطنش خبیث و پلید بود و هست. **دوستان ناباب** اصولاً با ظاهری زیبا و فریبنده و با ادبیاتی جذاب دیگران را به سمت خود می‌کشاند و پس از جذب افراد آن‌ها را به اعمال شیطانی وارد و وادار می‌کند. شیطان قسم خورد که خیر انسان را می‌خواهد و ناصح است و بدین وسیله انسان را فریفت. افرادی هم که فریفته شیطان صفتان می‌شوند، سرانجام نتیجه‌ای جز آلوده شدن به بیماری‌ها و گناهان نخواهند داشت.

- کاسب یا فروشنده‌ای که جنس بد را با ظاهر خوب عرضه می‌کند و قسم می‌خورد که این عالی است و... و برای منافع خود به دروغ و قسم متوسل می‌شوند به کاری شیطانی دست زده است.

- هم‌چنین دانش‌آموز و دانشجویی که در درس و گرفتن مدرک تقلب می‌کند و خود را زنگ‌تر از دیگران می‌داند.

- و ورزشکاری که در ورزش دوپینگ می‌کند و ظاهراً برنده می‌شود.

این‌ها همه ناشی از وسوسه شیطانی و غلبه جنود جهلانی و شیطانی بر جنود عقلانی و روحانی است و ناشی از ضعف نفس و نشناختن درست دنیاست. دنیا مزرعه آخرت است اما اگر رضایت خود و خلق بر رضایت خدا رجحان یابد نتیجه‌ای جز خسران و تباهی دربر نخواهد داشت.

دفاع و مبارزه

● تفکر و تدبیر برای شناخت حق و جست‌وجوی حقیقت

تفکر در آیات انفس و آفاق، معرفت نسبت به حضرت حق و دوستداران حق و حقیقت را فزونی می‌بخشد. هرچه معرفت انسان نسبت به معارف الهی و حقیقت ناب بیشتر شود، محبت وی به خداوند نیز بیشتر می‌شود و رابطه خالق و مخلوق، از جنس رابطه حبیب و محبوب و عاشق و معشوق است. هرچه این رابطه عاشقانه‌تر باشد، تلاش انسان برای انجام فرایض و ترک مناهی و معاصی افزون‌تر می‌گردد. لذا انسان باید از عقل معاش عبور کند و به فطرت ثانی دست یابد، زیرا ارزش وجودی

انسان در گرو همین فطرت و تفکر است.

یکی از مهم‌ترین گرایش‌های الهی انسانی، گرایش به معنویت است. اما غرب به‌منظور مدیریت این گرایش جهانی متناسب با هر سلیقه و سنی، تولیداتی عرضه می‌کند و به سیرابی کاذب ذایقه‌ها می‌پردازد. به معلمین عزیز توصیه می‌شود که معرفت حقیقی را به دانش‌آموزان عرضه نمایند تا در پی حقیقت و رفع تشنگی به دنبال سراب نروند. در این جا مهم‌ترین عامل، خوب فکر کردن و تعقل و تدبیر است که باید آن را به فرزندان و دانش‌آموزان آموزش داد تا در سایه‌سار مکتب توحید، گرایش‌های ظلمانی، نفسانی و کاذب را دنبال نکنند.^۲

● بصیرت

بصیرت نیرویی قلبی است که به واسطه آن معقولات ادراک می‌شود و در پرتو آن دید واقعی نسبت به دنیا و دین، آخرت و معنویت حاصل می‌شود. دل خوش نبودن به خواسته‌های نفسانی و فریفته نشدن به مظاهر دنیا دید حقیقت‌بین می‌خواهد (بهشت اخلاق، ج ۶: ص ۶۱۹). خداوند در قرآن به این گروه انسان‌ها اشاره می‌کند و می‌فرماید تنها اولی‌البصیر نشانه‌های الهی را درک می‌کنند و بس. حضرت علی (ع) می‌فرماید: با بصیرت کسی است که بشنود و بیندیشد، نگاه کند و ببیند و از عبرت‌ها بهره گیرد. آن‌گاه راه‌های روشن را ببیند و از افتادن در پرتگاه‌ها دور ماند.

خداوند در قرآن می‌فرماید: هر کس به دیده بصیرت بنگرد به سود اوست و هر کس از سر بصیرت ننگرد به زیان اوست (انعام: ۱۰۴).

● ولایت الهی

اگر ولایت الهی در انسان نهادینه شود آسیب‌پذیر نخواهد شد. هرگز در دل ولایتی، دشمن کمین نمی‌کند و موفق نمی‌شود نقشه‌های شومش را عملی سازد. خداوند می‌فرماید: «تسلط شیطان تنها بر کسانی است که او را ولی و سرپرست خود گرفته‌اند» (نحل: ۱۰۰).

اما اگر انسان اسیر خودبینی و خودخواهی و خودپرستی شد، نه تنها از فهم تجلیات حق تعالی محروم می‌شود که دست به تکذیب نیز می‌زند و اگر راهی به تکذیب نداشته باشد، باب تأویل و توجیه را مفتوح می‌سازد (چهل حدیث: ص ۴۵۵). پس توتلی و تبری که از فروع مهم دین ما هستند مرزهای خودی و غیر خودی را برای ما مشخص می‌کنند تا سرپرستی خدا و جانشینان الهی را بپذیریم و از ولایت طاغوت و مشرک اجتناب ورزیم.

● استعاذه و ذکر خدا

پناه بردن به خدا قلعه مستحکمی برای مصونیت از شیطان و تقویت فرهنگ پیشگیری از گناه است. استعاذه خود نوعی بصیرت در دشمن‌شناسی و مبارزه



فاسقان و منافقان خود فتنه‌اند، لذا گاهی سعی می‌کنند با القای شبهات از طریق زبان و قلم به گمراهی مردم بپردازند و نگذارند که مردم حق را بشناسند و ببندند





با دشمن است (بهشت اخلاق، ج ۲: ص ۷۶۱). خداوند به ما امر فرموده است: «فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» (نحل: ۹۸).

«وَقُلْ رَبِّ اعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ» (مؤمنون: ۹۷). در بسیاری از احادیث و ادعیه (مفاتیح الجنان و دعای هفدهم صلیف سجاده) برای ما مشخص شده که از شر چه اموری به خداوند یکتا پناه بریم، از جمله علم غیرنافع، نفس سیری ناپذیر، قلب غیر خاشع و شر جنود شیاطین جن و انس و... پس خداوند برای مقابله با شیاطین بیرونی و درونی ما را به استعاذه و پناه جستن به درگاهش سفارش می کند.

حضرت علی (ع) در غرر الحکم می فرماید:

نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْمَطَامِيعِ الدُّنْيَا وَالْهَمَمِ الْغَيْرِ الْمَرْضِيَّةِ

پناه می بریم به خدا از خواسته های پست و تصمیمات خلاف رضایت خدا.

بالا ترین ذکر، اذکار انوار الهیه است که دل را به سمت نور و هدایت سوق می دهد و به انسان حیات طیبه می بخشد.

● مراقبه، مشارطه و محاسبه

راجع به این سه مرحله در کتب اخلاقی و عرفانی بسیار صحبت شده است. امام خمینی (ره) در کتاب چهل حدیث این مراحل سیر و سلوک را معرفی می کند (چهل حدیث: ص ۷).

مرحله اول برنامه ریزی در تمام امور و مواظبت بر رعایت حدود الهی است. مرحله دوم تشویق و ترغیب و تنبیه خود برای انجام ملکات و فضائل و ترک محرّمات و ردایل اخلاقی و حتی مکروهات است. برای خود شرط گذاشتن و به این وسیله نفس خود را تنبیه کردن است تا ردایل ترک گردد. در مرحله آخر هر شب اعمال و رفتار و گفتار شبانه روزی را محاسبه کردن است. هر نوجوان و جوانی تشنه حقیقت و معرفت است و دوست

دارد خودسازی کند. لذا برای انجام این امر نقش الگوی علمی و عملی بسیار تأثیرگذار است. پس قبل از این که نصیحت کنیم ببینیم آیا خود اهل مراقبه، مشارطه و محاسبه هستیم، اگر باشیم مطمئناً نفس ما در آن ها نیز اثر می کند.

● هم نشینی با صلحا و صاحب دلان و دوستان خدا

هیچ کس نقش دوست را در زندگی انسان و در رسیدن وی به سعادت و شقاوت انکار نمی کند. اصولاً انسان براساس ظرفیت های روحی خود دوست دارد با کسی مأنوس شود که با وی سنخیت روحی و وجودی داشته باشد و او را به خود نزدیک تر کند. بنابراین حضور یافتن در محضر بزرگان و زنده کردن قلب از طریق موعظه و نصایح الهی آنان و تلاوت هر روز آیات قرآن بهترین پیش گیری برای مبتلا نشدن به ردایل اخلاقی و افتادن در دام شیاطین است.

حافظ شیراز می فرماید:

بیاموزمت کیمیای سعادت

ز هم صحبت بد جدایی جدایی

هم نشینی با انسان های رذل و تاریک دل، باعث نفوذ سیاهی آن ها در جان و دل ما می شود ما را به بیراهه می کشاند. پس بر هر انسان مسلمان لازم است حدود و ثغور دوستی هایش، براساس دوستی خدا باشد.

نتیجه: آن چه مطرح شد اجمالی از جنگ نرم، شیوه ها و راه های نفوذ دشمن در انسان بود. خداوند خود الگوی علمی و عملی لازم برای دست یابی به سعادت دنیا و آخرت را در اختیار هر بنده خالص و مؤمن قرار داد. برای پیروزی در این نبرد که بسیار زیرکانه و زیرزمینی است باید خودشناسی و خودآگاهی خود را بیش از پیش بالاتر ببریم و در پی کسب معارف اسلام ناب محمدی باشیم و در سایه سار ولایت و بصیرت، قوای جهلانی و شیطانی نفس را کنترل کنیم تا به سرمنزل مقصود برسیم. خداوند عالی ترین نعمت، یعنی تعقل را به بشر عطا فرموده است تا انسان خود مسئول امور خویش باشد. شیطان هم بر انسان تسلطی ندارد. در واقع این انسان است که تصمیم می گیرد شیطان را در درون خود و اعمال خود راه بدهد یا ندهد. با دقت در محیط خود می توانیم مصداق های اعمال و رفتار شیطانی را دریابیم و برای پاک سازی جامعه، ضمن به کار گرفتن تعقل، معرفت، بصیرت، ولایت و استعاذه، برای انجام فرایض و ترک مناهای و معاصی به نظارت همگانی نیازمندیم. همان طور که مولا امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) تمامی نیکی ها و فضایل را در برابر امر به معروف و نهی از منکر قطرهای در برابر دریا می داند، پس لازم است که همه امر به معروف و ناهی از منکر باشیم تا تمام راه های نفوذی شیطان و شیطان صفتان را در فرد، جامعه، فرهنگ و دین ببندیم؛ نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ و به نستعین.

پی نوشت

۱ و ۲. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به (۱) درآمدی بر عرفان حقیقی و عرفان های کاذب از دکتر امیرحسین شریفی، (۲) نگرش بر جنبش های نوظهور معنویت گرا از محمدتقی عالی.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، ناشر، بی تا.
۳. معراج السعاده، ملا احمد نراقی، انتشارات هجرت، تابستان ۱۳۷۸.
۴. چهل حدیث امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ ۳۱، ۱۳۸۱.
۵. شرح حدیث جنود عقل و جهل امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سوم، ۱۳۷۸.
۶. درآمدی بر عرفان حقیقی و عرفان های کاذب، امیرحسین شریفی، انتشارات صهبای یقین، ۱۳۸۸.
۷. بهشت اخلاق، مهدی نبیلی پور، ج ۱ و ۲، انتشارات مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (ع) چاپ دوم، ۱۳۸۵.
۸. تفسیر المیزان، علامه محمدحسین طباطبائی، بی تا، بی جا.
۹. تفسیر نور، آقای محسن قرائتی، بی تا، بی جا.